

پرسی برای رسیدن آن کشور به عظمت گذشته می‌داند. در حال حاضر روسیه با کمبود منابع روبه‌رو است. (پور آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۸۶)

هیچ جنبه‌ای از روسیه معاصر وجود ندارد که سریعتر و غیرمنتظره از وضعیت اقتصادی آن تغییر کرده باشد. وقتی ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور شد، روسیه عملاً ورشکست شد زیرا بیش از ذخایر ارزی خود به صندوق بین‌المللی پول بدهکار بود. از آن زمان به بعد، روسیه به یک انقلاب اقتصادی کلان دست یافته است تا جایی که یکی از بزرگ‌ترین طلبکاران بدهی آمریکا در جهان است. تولید ناخالص داخلی اسمی دلاری آن بیش از یک عامل شش برابر افزایش یافته است و این امکان را دارد که تا سال ۲۰۱۰ به بیش از ۲ تریلیون دلار برسد. رشد این بزرگی معادل تقریباً ۱۰ برابر افزایش تولید ناخالص داخلی طی یک دهه است. اقتصاد روسیه پس از یک دهه رشد اقتصادی خیره‌کننده و با افزایش قیمت کالاها و اعتبار ارزان خارجی، خود را به عنوان یک صندلی بسیار جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی تثبیت کرد. در جولای ۲۰۰۸، ذخایر ارزی روسیه بیش از ۵۸۸۰۹ میلیارد دلار بود و قیمت نفت با بیش از ۱۴۷۰۲۷ دلار در هر بشکه رکورد جدیدی را شکست، در حالی که بانک‌های روسیه حتی پس از ماه‌ها بی‌ثباتی مالی به دنبال نوسانات بازارهای مالی ایالات متحده طی ماه‌های گذشته، بدهی خارجی خود را به ارزش ۵۰۰ میلیارد دلار به دست آوردند. بهار سال ۲۰۰۸ به نظر می‌رسید روسیه بیشتر در حال طوفان مالی است. با این حال، با تعمیق بحران، مشخص شد که روسیه از رکود اقتصادی معاف نخواهد بود. بازارهای اعتباری منجمد، کاهش سریع قیمت انرژی و بازگشت قابل توجه سرمایه‌گذاران تأثیر خود را بر اقتصاد روسیه آغاز کردند. <https://www.csis.org/programs/russia-and-eurasia-program>

در پایان سال ۲۰۰۸، روبل به‌طور قابل توجهی در برابر دلار تضعیف شد و شاخص اصلی سهام روسیه سقوط کرد. با کند شدن تولیدات صنعتی، بیکاری افزایش یافت و وقایع ناآرام مدنی در سراسر کشور ظاهر شد. این عوامل، همراه با روند رو به رشد مشکل سرمایه، دولت را مجبور به اقدام با تصویب بسته محرک اقتصادی گسترده و تزریق بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد کرد. در بهار سال ۲۰۰۹، قیمت‌های نفت از پایین‌ترین سطح به اوایل سال صعود کردند و تأثیر جهانی بحران کاهش یافت. حتی در این صورت، کارشناسان پیش‌بینی کردند که روسیه با کاهش انقباض اقتصادی بین ۷ تا ۸ درصد در سال ۲۰۰۹ و تنها رشد متوسط در سال‌های متوالی، تأثیرات بحران را در سال‌های آینده نیز احساس کند. رکود مالی جهانی، کمبودهای جدی در سیاست‌های اقتصادی کرملین و خود اقتصاد روسیه را برجسته کرد. سرعت و خط سیر بهبودی روسیه تا حد زیادی منوط به تمایل سیاست‌گذاران روسیه برای تنوع بخشیدن به جریان درآمد خود و انجام اصلاحات اقتصادی و پولی مورد نیاز است.

اقتصاد روسیه برابر با تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۸ ۴۰۲ تریلیون دلار است. این به شما امکان می‌دهد مقایسه دقیق تری از اقتصاد دو کشور داشته باشید. اقتصاد روسیه که یازدهمین اقتصاد بزرگ در جهان بود. طبق ادعای صندوق بین‌المللی پول از آوریل ۲۰۲۰ اقتصاد آن ۵۰۵ درصد کاهش یافته است. روسیه اقتصادی مختلط دارد. از تجزیه سال ۱۹۹۱ اتحاد جماهیر شوروی و اقتصاد فرماندهی آن فاصله زیادی گذشته است. امروزه دولت فقط مالک صنایع نفت و گاز است. گازپروم یک شرکت دولتی گاز روسیه است و بزرگ‌ترین ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد، اما ذخایر در حال کاهش و قیمت‌ها کاهش یافته است. این ایالت ۴۰۴ درصد از شرکت روسفت را در اختیار دارد، بریتیش پترولیوم ۱۹۰۷۵ درصد از این سهام را در اختیار دارد و بقیه با تجارت عمومی انجام می‌شود، اما روسفت دارای مشکلات مالی شدیدی است. سایر صنایع ایالتی سابق خصوصی شده‌اند. (Kelly, ۲۰۲۰)

■ سیاست‌های امنیتی روسیه

فدراسیون روسیه که ابتدا به‌صورت امپراطوری روسیه و سپس اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت، دامنه‌اش در دو قاره اروپا و آسیا گسترده می‌باشد و این خصوصیت مهم در شکل‌گیری

سیاست‌های امنیتی آن تأثیر بسزا داشته است. منطقه‌ای که روسیه در آن واقع شده از لحاظ ژئوپلیتیک، بسیار حساس می‌باشد و از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر، روسیه در تقاطع هارتلند و ریملند حیاتی واقع شده است. دسترسی روسیه به آب‌های گرم یکی از اهداف راهبردی زمامداران مسکو در قرون گذشته بوده است. وصیت‌نامه‌ای که به پتر کبیر منسوب می‌باشد در این زمینه از شهرت خاصی برخوردار است. تلاش برای دسترسی به آب‌های گرم و حفظ راه‌های تجارت دریایی موجب شد تا روسیه به داشتن یک نیروی دریایی قدرتمند گرایش یابد. از این‌رو در دوران شوروی این کشور یکی از بزرگ‌ترین ناوگان‌های دریایی را جهت حمل‌ونقل کالا علاوه بر ناوگان قدرتمند دریایی خود ایجاد کرد. در دوران جدید نیز توجه روسیه به تقویت قدرت دریایی همچنان باقی است. (دادانیش، ۱۳۸۴: ۹۴)

اصول دکترین امنیتی روسیه در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید. این دکترین دو اصل را مبنای سیاست دفاعی خود قرار داد: اول حفظ بازدارندگی هسته‌ای و دوم آمادگی برای مقابله با تعارضات محلی. دکترین جدید امنیت ملی که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید بر این فرض مبتنی است که تهدیدات نسبت به روسیه در حال افزایش است و خطر عمده از غرب نشأت می‌گیرد. یکی از ابعاد دکترین جدید امنیت ملی جدید، احتمال به کارگیری نیروهای نظامی در تعارضات داخلی است. چالش‌های امنیتی روسیه بسیار متنوع است که بنیادگرایی اسلامی و نفوذ غرب مهم‌ترین آنهاست. این کشور از اسلام‌گرایان برای تحریک افکار عمومی و کسب حمایت آمریکا و اروپای غربی استفاده کرده است. (پور آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۸۲-۱۸۴) مسأله اسلام‌گرایان نه فقط به چگونگی رابطه روسیه با غرب و کشورهای همسایه، بلکه به مسلمانان داخل خاک روسیه نیز مربوط می‌شود. مسلمانان بعد از روس‌ها دومین گروه قومیتی روسیه را تشکیل می‌دهند. از این رو، اظهارات سیاستمداران و نظامیان درباره تلاش روسیه برای مقابله با بنیادگرایی اسلامی می‌تواند موجب دشمنی‌هایی بین اقوام این کشور شود. از طرف دیگر روسیه نگران گسترش

روابط ایران و روسیه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰	
برنامه هسته‌ای ایران	همراهی با غرب
تحولات آسیای مرکزی و قفقاز	منافع مشترک با ایران
انرژی	رقابت توأم با همکاری
نظم بین‌المللی	مخالف همزونی غرب، نظام چندجانبه‌گرایی
اقتصادی	روابط متوسط اقتصادی

بنیادگرایی اسلامی داخل در مرزهای خود است. (پور آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۸۵)

■ سیاست‌های امنیتی روسیه در دوران پوتین

از آنجا که دیدگاه‌های ناسیونالیستی و خاص نخبگان سیاسی در شکل دهی به سیاست خارجی و سیاست امنیتی مؤثر می‌باشند، بسیاری از نظریه پردازان و اندیشمندان در ارائه دیدگاه‌های نظری خود به این دو عامل توجه ویژه کردند. این نظریه‌ها بیشتر به طرز تفکر، برداشت‌ها و ساختار ذهنی سیاستمداران و رهبران مربوط می‌شود. دو عامل فوق بویژه ناسیونالیسم روسی بر سیاست‌های روسیه مؤثر می‌باشد. پوتین در دوران زمامداری خود رویکرد رقابت توأم با ترس را در زمینه سیاست امنیتی روسیه بویژه در امر تسلیحات راهبردی در پیش گرفته است. از سوی دیگر، رویکرد رقابت توأم با ترس به حدی در منظومه قدرت روس‌ها و احیای سنت‌های قدیم ریشه دوانده بود که پوتین پس از زمامداری به تهدیداتی اشاره می‌کند که متوجه کشورش است. پوتین در اواخر سال ۱۹۹۹ در اشاره به سیاست‌های امنیتی روسیه اظهار داشت: چند سال قبل (بلافاصله بعد از فروپاشی شوروی)، ما دچار این توهم شدیم که دشمنی نداریم. (دادانیش، ۱۳۸۴: ۹۹-۱۰۰)

■ روابط ایران و روسیه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته درگیر مسائل گوناگون ارادی و غیرارادی زیادی بوده، اما به نسبت مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود، در حفظ چهارچوب، مبانی و اصول از ثبات بیشتری برخوردار بوده است. بر این اساس یکی از پرسش‌های مهم پژوهشی که همواره درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طرح می‌شود، به رویکرد نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی و دلایل و عوامل این ثبات بنیادین بازمی‌گردد که شامل توجه و تمایل تقریباً غیرقابل متزلزل ایران به توسعه روابط با روسیه در چهار دهه گذشته می‌شود. با وجود فراز و فرودهای بسیار در رابطه تهران و مسکو، روسیه همواره جایگاه ویژه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است؛ حتی در مقاطعی که استنباط می‌شد روابط ایران با غرب تنش‌زایی می‌شود مانند دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و حسن روحانی، روابط ایران با روسیه توسعه بیشتری یافته است.

فروپاشی اتحاد شوروی زمینه‌ساز آغاز سیاست سردرگم روسیه نسبت به ایران و تا حدودی هم ایران نسبت به روسیه بود. از جهت روسیه، به‌طور کلی سیاست خارجی این کشور در دهه ۱۹۹۰ دوره‌ای از آشفتگی شدید را پشت سر گذاشت. ضعف ادراک از تحولات محیطی، ناتوانی در سناریوپردازی، تصمیم‌گیری‌های نابسمان و منفعلانه ویژگی اصلی این دوره بود (کولای، ۱۳۸۹: ۲۴)، البته به دلیل تغییرهای بنیادین سیاسی، اقتصادی و نظامی، این سردرگمی تا حدودی قابل انتظار بود.

روابط ایران و روسیه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱	
برنامه هسته‌ای ایران	سیاست دوگانه
رژیم صهیونیستی	نقاط اختلافی (در سوریه و قفقاز)
انرژی	رقابت توأم با همکاری
عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای	موافق عضویت ایران در شانگهای و اتحادیه اوراسیا
بحران‌های منطقه‌ای	یمن (تقریباً همراه)، لیبی (مخالف)، حمایت از خلیفه حفتر، جنگ قره‌باغ (موافق جنگ)، مخالف حضور تروریست‌ها در قره‌باغ، آسیای مرکزی (همراهی با ایران)، سوریه (منافع متضاد و مشترک)

فروپاشی شوروی باعث شد که روابط ایران با فدراسیون روسیه وارد مرحله‌ای تازه‌ای شود به گونه‌ای که ایران در تحولات مختلف روسیه و مناطق پیرامونی این کشور مواضعی در راستای دولت مرکزی روسیه داشت. جنگ اول چین و حمایت ایران از تمامیت ارضی فدراسیون روسیه، با وجود سرکوب مسلمانان چینی، رضایت مسکو را در پی داشت. ایران از یکسو به دلیل اینکه خود را در برابر تجزیه طلبی آسیب‌پذیر می‌دید و از سوی دیگر به دلیل منافع روابط با روسیه، در برابر برخوردهای خشونت‌آمیز مسکو در موضوع چین سکوت اختیار کرد. روسیه و ایران همچنین برای پایان دادن به جنگ داخلی ۵ ساله تاجیکستان با یکدیگر همکاری کردند.

تجربه موفق همکاری ایران و روسیه در پایان بخشیدن به جنگ داخلی تاجیکستان، سبب ایجاد دگرگونی هرچند با برجا ماندن برخی تردیدها، در رویکرد روسیه به جمهوری اسلامی ایران شد. رهبران روسیه دریافت‌ه بودند که ایران در آسیای مرکزی نقش مهم و سازنده‌ای را می‌تواند اعمال کند؛ بنابراین به تجهیز ایران با سیستم‌های نظامی جدید ادامه دادند. این سیاست، مخالفت شدید ایالات متحده را به همراه داشت. اما واکنش ایران در مورد شورشیان چین و حمایت از سیاست روسیه در بوسنی سبب

